

در پی این قتل‌ها، برای نخستین بار ستون «حوادث شهری» از ۲۰ خرداد ۱۳۸۸ در روزنامه خراسان ایجاد شد

روزنامه خراسان، به عنوان یک روزنامه زیر منی
سامی مشروطیت که رسالت تنویر افکار عمومی را
در این زمینه بر عهده داشت، برخی از این اقدامات
را در تعدادی از شماره‌های محدود خود، پوشش
خبری داده است؛ اما این پوشش خبری تا پیش از
خروداده سال ۱۲۸۸، عموماً رویکردی بی طرفانه

گزارش روزنامه خراسان، با وجود انحصار، نتایجی چند را درباره شرایط آن زمان شهر مشهد برای خواننده و پژوهشگر، آشکار و ابهامات تاریخی و البته قابل تأمل را یادآوری می‌کند: نخست این که طبق محتوای گزارش، شهر مشهد دست کم در خردادماه سال ۱۳۸۸، فاقد ساختارهای امنیتی و انتظامی بوده است؛ این وضعیت، فقط شرایط را برای اقدامات گروهای امنیوخواهی مانند «کمیته سیری خراسان» و «مجاهدین سرشور» - که مظاهر این کمیته مورداشاره، وحدت‌فترای و عقیدتی‌داشت، فراهم نمی‌کرد. در آن معرکه، فعالیت در زمان و طرآن نیز افزایش یافته بود و محلات مشهد از ناامنی عسبیبی رنج می‌برد. «حسین اولیاء باقعی» یکی از مشهدی‌هایی که گزارش آن‌روزها را در خاطره

ثبت کرده است. در مقاله‌ای که بعدها، مجله و حیدر ان را منتشر کرد، به اقدام عمومی مردم مشهد برای جبر کردن نگهبانان ای پاسداری از محلات و ابرقت از هجمه مردان به اموال و نوامیس اشاره کرده است. مسئله نامنی، حتی با استقرار دوباره مشروطیت هم، در مشهد حل نشد و بعدها میانه اقدام روس‌ها در به‌توپ بستن خرم‌مطهر ضوی را به وجود آورد. دوم این که گزارش روزنامه خراسان نشان می‌دهد بر نامه «کمیته سری خراسان» بر نامه‌ای ده‌فصد بوم‌داست و سران این کمیته در برابری بسیار قوی عمل کرده‌اند؛ حضور ۲۰ نفر برای به کشتن اعتضادالتولیه و شلیک هشت گلوله برای به قتل رساندن او، نشان می‌دهد که دست کم ۱۵ نفر برای حمله به تیم اصلی اجرای حکم، با آن همه ابراهیم‌یوند، **سوم** این که اساس گزارش، می‌توان دریافت که به احتمال زیاد، از اوایل خردادماه سال ۱۲۸۸، کنترل شهر مشهد عملاً از دست عاملان محمدعلی شاه خارج شد؛ به گونه‌ای که انجمن یالتی خراسان، دوباره جایگاه قانونی و اجرایی پیدا کرد. حتی با تکیه و شاید حدود آن، قتل سیاسی سرافراز خیابان ییگر یکی رقم خورد. چهارم موضوع شکل گرفتن کمیته‌هایی بر منشأ نامعلوم است.

که شایان بررسی و مذاقه بیشتر به نظر می‌رسد. می‌دانیم که چنین کمیته‌هایی حتی در دهه ۱۲۹۰ هم در مشهد فعال بوده‌اند و به تهدید یا اقدام علیه افرادی که با امپال و خواسته‌هایشان متخالف بودند، می‌پرداختند؛ اما آیا تمام آن‌ها منشأ و انگشت‌نماست یکسانی داشتند؟ به احتمال قریب به یقین، چنین نیست. برخی از مورخان، انگشت اتهام را، لاقل برای آن زمان انتشار گزارش روزنامه خراسان، به سوی «انجمن سعادت» می‌گیرند. انجمنی با دیدگاه‌های سیاسی سیموگ (عامیون) در خراسان. درباره وابستگی «کمیته سری خراسان» با انجمن سعادت، دلیل و مدرک قابل ارجائی نداریم؛ اما اطلاع دقیق خبرنگار آن روزنامه از جزئیات نامهای که ضارب‌اروی سینه «اعضاد التولیه» گذاشته بودند، شاید اماره‌ای برای افزایش احتمال شناخته شدن بعضی اعضای این کمیته برای دست انداز کار آن روزنامه خراسان باشد. با این حال، آن چه در این زمینه ابراز می‌شود، صرفاً جنبه حدس و گمان دارد و برای اثبات یا نفی این مسئله، نیازمند کاوش بیشتر در متون و اسناد تاریخی هستیم. از طرفی، نباید یاد کرد که نامی موجود در مشهد دهه ۱۲۸۰ و ۱۲۹۰، محملی مناسب برای شکل گرفتن گروه‌های مسلح مخفی، با اغراض

غیر سیاسی هم می شد که این نیز، محتاج بررسی و مداخله بیشتر است و شاید در آینده، موضوع نوشتاری در صفحه تاریخ روزنامه خراسان باشد.

9/99-Y-AYY

99

C/99-Y-59A